

## «کماندوی ترور»

فیلم مستند تلویزیون سوئد در باره فعالیت‌های شبکه تروریستی جمهوری اسلامی و سفارت ایران در سوئد در طراحی و اجرای ترورهای سیاسی در دهه ۹۰

زمان پخش: پنجشنبه ۱۹ سپتامبر از ساعت ۲۲،۱۰ الی ۲۳،۱۰

از شبکه اول تلویزیون سوئد <http://www.svt.se/dokument/in/>

دو نکته:

- نوشته زیر ترجمه مقاله‌ای است از مهرداد درویش پور که در روزنامه‌ی پرتیراژ صبح سوئد، Svenska Dagbladet مورخ ۱۹ سپتامبر در رابطه با فیلم «کماندوی ترور» و مسائل پیرامونی آن به زبان سوئدی درج شده است.
- تصاویر درج شده در متن، از سایت اینترنتی تلویزیون سراسری سوئد گرفته شده است.

• KIMeNews, Sep 19, 2002, [kelk@chello.se](mailto:kelk@chello.se)

۱۹ سپتامبر ۲۰۰۲

## سازمان امنیت سوئد (SÄPO) از جاسوسان ایرانی حمایت می‌کند!

امشب کانال یک تلویزیون سوئد، فیلم مستند و تکان‌دهنده‌ای به نام «کماندوی ترور» که توسط ژورنالیست سوئدی Scar Hedin تهیه شده است، و عملیات تروریستی جمهوری اسلامی ایران در دهه ۹۰ در سوئد را نمایش می‌دهد، به گفته مهرداد درویش پور، سازمان امنیت سوئد و دولت سوئد در موارد متعددی از عملیات جاسوسان ایرانی باخبر بوده‌اند، بدون آنکه مداخله کنند.



این فیلم مستند نشان می‌دهد که سفارت ایران در سوئد در چندین ترور در دهه ۹۰ شرکت داشته است. همچنین نشان می‌دهد که چگونه ماموران ایرانی از طریق تهدید و تطمیع به جاسوس پروری در میان ایرانیان مقیم سوئد مشغول بوده‌اند و اینکه چگونه با استفاده از مصنوعیت دیپلماتیک توانسته‌اند برغم مشارکت آشکارشان در عملیات تروریستی از چنگال عدالت بگریزند. این فیلم نشان می‌دهد، چگونه سازمان امنیت سوئد SÄPO تمامی این اقدامات را از آغاز زیر نظر داشته است. آنچه شگفت‌انگیز است، رفتار غیر مسئولانه و

ناتوانی سازمان امنیت سوئد در مقابله با این عملیات تروریستی است.، به گونه‌ای که به واقع می‌توان گفت که سوئد در رخ دادن این عملیات تا حدودی مقصر بوده است. سوئد نه تنها نسبت به دستگیری این تبهکاران بی‌اعتنایی کرده است، بلکه در مواردی حتی مقامات سوئدی قوانین کشور را نقض کرده‌اند. با اینهمه سازمان امنیت سوئد از اینکه تنها در یک مورد قادر به جلوگیری از عملیات تروریستی شده است، به خود می‌بالد.

اینکه رژیم جمهوری اسلامی ایران دهها فقره از عملیات تروریستی را در خارج از کشور علیه اپوزسیون و دگراندیشان سازمان داده است، برای ما امر تازه‌ای نیست. چه بیش از این خود ایرانیان تبعیدی‌اند که قربانی عملیات تروریستی دولت ایران در سوئد،

فرانسه، آلمان، اتریش، ترکیه، قبرس، پاکستان، انگلستان، سوئیس و دیگر نقاط دنیا شده‌اند. ما هرگز فراموش نمی‌کنیم چگونه گروه کثیری از تبعیدیان ایرانی خشمگین، وحشت‌زده و متاسف بودند که حتی در تبعید نیز فاقد امنیت بوده و تنها ناظر آن بودند که یکی پس از دیگری قربانی عملیات تروریستی حکومت ایران می‌گردد، بی‌آنکه حتی مقامات این کشورها قادر به جلوگیری از آن باشند.

همچنین اینکه سفارت‌های ایران در سوئد و دیگر کشورها در عملیات تروریستی دست داشته‌اند، برای ما کشف تازه‌ای نیست. دادگاه میکونوس در برلین حتی نشان داد که رهبران بلندپایه‌ی حکومت ایران، خود در چندین ترور دست داشته‌اند. اما آنچه در این فیلم جدید و تکان‌دهنده است نقش سازمان امنیت سوئد است که بجای دستگیری و مجازات تروریست‌های ایرانی و یا دستکم علنی نمودن نام آنها، با اخراج پنهانی‌اشان به آنها امکان فرار می‌دهد. و بدینگونه آنها در عمل پاداش می‌گیرند. برای نمونه سازمان امنیت سوئد می‌دانست که رضا تسلیمی مامور ایرانی مدتها سرگرم جلب همکاری محسن رشیدزاده برای جاسوسی و کسب اطلاعات بوده است. همچنین سازمان امنیت سوئد از طرح عملیات ترور جلیل گادانی یکی از رهبران کرد ایرانی که در سال ۱۹۹۰ برای بازدید به سوئد آمده بود، توسط رضا تسلیمی و گروه ضربت وی باخبر بود، طرحی که خوشبختانه ناکام ماند.

با اینهمه نا او دستگیر شد و نه حتی مورد بازجویی قرار گرفت، بلکه طی دو سال توانست همچنان با رفت و آمد به سوئد به فعالیت‌های خود ادامه دهد تا آنکه کشور را به طور پنهانی ترک کند. چرا؟ آیا مصونیت پارلمانی او دلیل قانع‌کننده‌ای برای توجیه رفتار منفعلانه دولت سوئد است؟ در این صورت از این رفتار چه برداشتی می‌توان داشت؟ جز آنکه مجازات عملیات تروریستی برای افراد دارای مصونیت پارلمانی، حداکثر اخراج از کشور است؟



#### Dokument inifrån: Terrorkommandot

Ett iranskt terrorkommando gömmer vapnen i förvaringsboxarna på centralstationen i Stockholm. Med fästmän som gisslan i Iran pressas den unge kurdern Mohsen agera infiltrator åt kommandot. Målet är en känd kurdisk ledare som övernattar i Rinkeby. Mohsens berättelse är det första vittnesmålet inifrån de iranska terrornätverken i Sverige. "Till en början var det som en lek, men snart förstod jag att det var livsfarligt", säger Mohsen.

محسن رشید زاده نیز که به جرم همکاری با رضا تسلیمی و بدلیل نداشتن مصونیت پارلمانی محکوم به زندان و سپس اخراج می‌گردد، دوباره با یاری سازمان امنیت و اداره مهاجرت، شانس بازگشت به سوئد را می‌یابد و تنها شرط سازمان امنیت سوئد برای این اقدام، قول همکاری رشیدزاده در دادن اطلاعات ارزشمند به SÄPO است.

با این وجود زمانیکه سازمان امنیت سوئد این اطلاعات را ارزشمند نمی‌یابد، دوباره وجود او را در سوئد غیر مفید تشخیص می‌دهد و ادره مهاجرت بار دیگر حکم اخراج او را صادر می‌کند! پرسش اینجاست که این اتفاقات چگونه ممکن است در سوئد رخ دهد؟

غم‌انگیزترین ماجرا اما مربوط به عبدالرحمن بنی‌هاشمی و جمشید حسن پور است که بنابر این فیلم، نقشه ترور «مروان اکرومه» رئیس سفارت عربستان سعودی در استکهلم را در سال

۱۹۹۰ طراحی کرده بودند. با آنکه سازمان امنیت سوئد از این عملیات با خبر بود، این افراد دستگیر نمی‌شوند، در حالیکه بنی‌هاشمی حتی فاقد مصونیت پارلمانی بود. جمشید حسن پور اما بنا به گزارش این فیلم حتی در ترور عفت قاضی (ایرانی کردتبار) که با بمب پاکتی در شهر وستروس در سال ۱۹۹۰ به قتل رسید نیز دست داشته است.

بنی‌هاشمی و حسن پور بدون آنکه دستگیر و یا بازجویی شوند، تنها با حکم اخراج از کشور سوئد روبرو می‌شوند، بی‌آنکه حتی نام آنها افشاء شود. چرا؟ در عین حال می‌توان پرسید چرا تصمیم به اخراج رضا تسلیمی ۲ سال به طول انجامیده است، با آنکه سازمان امنیت سوئد از آغاز، از فعالیتهای تروریستی وی باخبر بوده است؟

پیامدهای این رفتار غیر قابل فهم سوئد، بسیار گران تمام شد. در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ بنی‌هاشمی در عملیات تروریستی میکونوس در برلین که به قتل چندتن از مهمترین رهبران اپوزسیون کرد ایرانی منجر شد، شرکت می‌جوید. پرسش اینجاست که آیا نمی‌توان مدعی شد که بدین ترتیب مقامات سوئدی در عمل در رخ دادن این ترورهای سیاسی به سهم خود مقصرند؟!

یک دلیل ناتوانی سوئد در رابطه با عملیات تروریستی ایران می‌تواند خودداری سوئد از رویارویی و تنش با ایران بدلیل مصالح سیاسی و اقتصادی خود باشد، تجربه فرانسه نشان می‌دهد که این وحشت سوئد چندان هم بی‌اساس نبوده است. دولت فرانسه نخست گروه تروریستی «انیس نقاش» و یارانش را به زندان می‌اندازد، آنها رسماً اعتراف می‌کنند که دستور قتل شاهپور بختیار، نخست وزیر سابق ایران را از مقامات حکومت ایران دریافت کرده‌اند. اما چند سال پس از زندانی شدن این افراد و بویژه پس از

انفجار بمبی در پاریس که تلفات بسیاری در پی داشت، دولت فرانسه ناگهان، تصمیم می‌گیرد تا این تروریست‌ها را آزاد و از کشور خود اخراج کند.

شاید هم سوئد تمایلی به آسیب رساندن به سیاست گفتگوی انتقادی خود با ایران را ندارد، اما پرسش اینجاست که این سیاست به چه بهایی و تا کجا ادامه باید یابد؟ بنظر نگارنده یک نتیجه‌گیری عاقلانه از رفتار ماموران جمهوری اسلامی در خاک سوئد، قاعدتاً این است که برای مقابله مؤثر با تروریسم بنیادگرایی اسلامی چه در داخل و چه در خارج از ایران می‌بایستی اقدامات به مراتب سختگیرانه‌تری در پیش گرفت. ■■■

**مهرداد درویش پور**، جامعه‌شناس در دانشگاه استکهلم.